

گرفتم نه تنها با دولت کار کنم، بلکه در زندگی سیاسی نیز شرکت کنم و در مورد مسائل مربوط به افغانستان و پناهندگان افغانستانی در پاکستان بحث و گفتگو کنم.

به منظور تحکیم روابط افغانستان با کشورهای خارجی، با سفرا و دیپلمات‌ها از سراسر جهان جلسات و گفتگوهای برگزار کردم. از موسسات و خیریه و سازمان ملل بازدید کردم و کنفرانس‌های مطبوعاتی برگزار کردم. با نمایندگان احزاب سیاسی در پاکستان ملاقات کرده و با شخصیت‌های شناخته شده علمی و تجاری نیز صحبت کردم.

همه ی این امور به جهت تقویت همکاری‌ها، ایجاد روابط بیشتر بین دو کشور و متوجه ساختن پاکستانی‌ها به موضوعاتی بود که به همان اندازه مورد توجه افغانستانی‌هاست. گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی را می‌دیدم اما به اختلافات میان آنها وارد نمی‌شدم. تا جایی که ممکن بود سعی می‌کردیم روابط خوبی با همه برقرار کنیم. پس از حملات یازده سپتامبر، نشست مشترکی میان افغانستان و پاکستان در شورای دفاع در اسلام آباد و با حضور تمامی احزاب سیاسی پاکستان از جمله حزب مردم و مسلم لیگ برگزار شد. در نتیجه، روابط حسنه ای میان ما با تمام طرف‌های اسلامی و مذهبی، به ویژه آنهایی که به نام جهاد تأسیس شده بودند، ایجاد شد. همکاری‌های گسترده ما حاکی از این بود که طالبان در تمام نقاط پاکستان از جایگاه مردمی خوبی برخوردار است.

در آن زمان فکر می‌کردم که حدود هشتاد درصد مردم پاکستان از امارت اسلامی افغانستان حمایت می‌کردند. اما رژیم دیکتاتوری پرویز مشرف، رئیس‌جمهور پاکستان با این همکاری مخالفت کرد. مقامات پاکستانی هم نگران حمایت مردمی از افغانستان بودند و به طور آشکار مخالفت خود را اعلام می‌کردند در حالی که تمام فعالیت‌های ما در قالب قانون بود و علیه هیچ شخص و کشوری نبودیم.

عادت داشتیم آزادانه در پاکستان سفر کنیم و به طور غیررسمی با احزاب مذهبی و سیاسی ملاقات کنیم. تمام سفرهای من برای از بین بردن شبهات و جلوگیری از ایجاد هرگونه مشکل با دولت پاکستان، مخفی نگه داشته شد. مسلمانان سراسر پاکستان علاقه مند به دیدار با من و نمایندگان جنبش طالبان بودند. دوست داشتند بیشتر درباره طالبان و امارت اسلامی بدانند و به همین دلیل گفتگوها و بحث‌ها و تبادل نظرهای طولانی صورت می‌گرفت.

مشرف نیز با توجه به شرایط سیاسی داخلی پاکستان نیاز به برقراری روابط حسنه با طالبان داشت. در آن دوره سازمان اطلاعات پاکستان قدرت بیشتری پیدا کرد و اداره جنبش طالبان آن را به رسمیت شناخت. جنبش طالبان همچنین از حمایت گسترده مردم پاکستان برخوردار بود. مشرف اگر می‌خواست در قدرت بماند، به حمایت مردم و سازمان جاسوسی پاکستان نیاز داشت. برخی می‌گویند که اگر جنبش طالبان نفوذ گسترده‌ای نداشت، کودتای مشرف و فروپاشی دولت نواز شریف اتفاق نمی‌افتاد.

مشرف فردی سکولار است و اسلام را فقط یک ابزار سیاسی می‌داند و باور دارد که از طریق آن می‌تواند از طالبان برای گسترش قدرت خود استفاده کند. با این حال او هرگز جنبش طالبان را یک جنبش مذهبی نمی‌دانست که می‌خواهد یک دولت اسلامی درست کند. باورش این بود که طالبان گروهی از افراد هستند که هدفی سیاسی دارند و مذهب آنها،